

بررسی ارتباط برخی عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه

علی رحمانی^۱ و رضا ساکی^۲

- ۱- * کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی- دبیر آموزش و پرورش شهرستان گچساران.
۲- دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

چکیده

با توجه به اهمیت انگیزش تحصیلی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، مطالعه حاضر به منظور پر کردن خلأ موجود در کشف رابطه احتمالی انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی طراحی گردید. روش انجام این تحقیق توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد که جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی دانش‌آموزان آموزش و پرورش گچساران به تعداد ۵۵۰ نفر بود. با توجه به جدول مورگان ۲۱۷ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب و در تحقیق شرکت داده شدند که این تعداد نمونه شامل ۸۰ زن و ۱۲۷ مرد می‌باشد. جهت جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از دو پرسشنامه انگیزشی و پیشرفت تحصیلی استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره و ماتریس ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. که پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها نتایج نشان داد که بین عوامل انگیزشی با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری و مثبتی وجود دارد، همچنین متغیرهای پیش بین (عوامل مؤثر بر انگیزش) می‌توانند ۲۹ درصد از متغیر ملاک (پیشرفت تحصیلی) را پیش‌بینی کنند.

واژه‌های کلیدی: عوامل انگیزشی، پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموزان .

۱- مقدمه

پیشرفت تحصیلی به عنوان یک متغیر آموزشی همواره مورد توجه پژوهشگران و متخصصان آموزش و پرورش بوده است. عوامل پیچیده و گاه ناشناخته‌ای کیفیت و کمیت یادگیری دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (یعقوبی، ۱۳۷۷، ص ۲۴). یکی از عواملی که به جهت شدت تأثیرات خود در پیشرفت تحصیلی مورد توجه بیشتر پژوهشگران حوزه آموزش و پرورش قرار گرفته است و گاه خود به عنوان یک عامل مستقل مورد بررسی قرار گرفته است، انگیزه^۱ تحصیلی دانش‌آموزان است.

انگیزش یکی از مهمترین منابع قدرتمندانه‌ای است که رفتار یادگیرندگان را در آموزشگاه تحت تأثیر قرار می‌دهد و قدرت و پایداری رفتار را تعیین می‌کند. انگیزش به یادگیرنده در دستیابی به هدف و کسب توانایی برای انجام فعالیت‌های ضروری در شرایط خاص نیرومی دهد (آکباس و کان، ۲۰۰۷، ص ۱۵).

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

انگیزش تحصیلی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد و پیشرفت نظام آموزش و پرورش یک کشور محسوب می‌شود. انگیزش تحصیلی موتور حرکت نظام آموزش و پرورش به سوی توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود، تا زمانی که موتور ماشین روشن نشود نمی‌توان انتظار حرکت از اتومبیل داشت. فرض بر این بگیریم که موتور روشن شد و می‌خواهیم حرکت کنیم. حرکت بدون داشتن برنامه از قبیل پیش‌بینی شده و بدون قصد و هدف هیچ ثمره‌ای نخواهد داشت پس مراحل برای به حرکت در آوردن ماشین باید رعایت شود: ۱- روشن کردن ماشین ۲- کنترل ماشین ۳- حرکت به سوی هدف و مقصد معین رشد نظام آموزش و پرورش هر کشور را می‌توان همانند ماشین در نظر گرفت. مسئولین امر چه مسئولینی آموزش و چه والدین دانش‌آموزان موظفند در دانش‌آموزان انگیزه حرکت ایجاد نمایند، به گونه‌ای که این انگیزه حرکت با برنامه ریزی قبلی صورت گرفته و دارای هدف و مسیر مشخصی باشد. تا زمانی که این مراحل طی نشده باشد نمی‌توان انتظار داشت که نظام آموزش و پرورش کشور به پیشرفت و توسعه نایل شود. یکی از ارکان اساسی نظام آموزش و پرورش هر کشوری دانش‌آموزان هستند، اگر این دانش‌آموزان از انگیزه کافی برای تحصیل برخوردار نباشند بعید است که کشور بتواند از سرمایه‌گذاری‌های خود در بخش آموزش و پرورش بهره‌برداری مناسب بکند.

مشکلاتی که در شرایط نبود انگیزه کافی در دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل بروز می‌کند، می‌توان به صورت ذیل فهرست بندی کرد:

- ۱- به هدر رفتن هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش آموزش و پرورش.
 - ۲- عدم توانایی در تربیت نیروی انسانی ماهر برای بخش‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی.
 - ۳- اتلاف نیروی انسانی از بعد زمانی.
 - ۴- افزایش تعداد ترک تحصیل‌کنندگان.
 - ۵- عدم پیشرفت و توسعه متعادل و پایدار جامعه.
- متأسفانه کشور ما در مقایسه با کشورهای پیشرفته در ارج نهادن به این عامل فرهنگی تلاش شایسته‌ای نکرده است، اگر چه شیوه‌های درستی برای تربیت دانش‌آموزان اتخاذ می‌کند ولی در عمل از کارایی چندانی برخوردار نیست و گاهی اوقات مشاهده می‌شود که نتایج عکس را در پی داشته است. همانند دیگر موضوع‌ها در این زمینه نیز تحقیقات زیادی صورت گرفته ولی باز هم مشکل انگیزش تحصیلی در بین دانش‌آموزان مدارس متوسطه مشاهده می‌شود. علت پایین بودن انگیزش تحصیلی در مدارس چیست؟ آیا پژوهش‌های انجام شده کارایی لازم را برای رفع این مشکل نداشته‌اند؟ و یا از نتایج پژوهش‌های انجام شده در جهت حل آن کمک نگرفتند؟ چرا یک دانش‌آموز دبیرستانی از انگیزه کافی برای تحصیل برخوردار نیست؟ در این جا است که می‌توان ادعا کرد، علی‌رغم پژوهش‌های گوناگون هنوز شاهد افت انگیزش تحصیلی به ویژه در مقاطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی هستیم. تحقیقات صورت گرفته در خصوص انگیزش تحصیلی نشان می‌دهد که شیوه‌های

¹ - Motive

فرزندپروری، محیط خانوادگی، عوامل آموزش، جنس، پایگاه اجتماعی، وجود نظام پاداش و تنبیه، ارزشیابی از عملکرد معلمان و دانش‌آموزان، میزان تحصیلات والدین، میزان درآمد خانواده، شغل پدر، تعداد اعضای خانواده و نظایر آن انگیزش تحصیلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین پژوهش حاضر سعی بر این دارد تا با بررسی عوامل موثر بر انگیزش و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی بتواند ضمن آگاهی بخشی به برنامه‌ریزان و مسئولین آموزش و پرورش، بتواند گرهی از مشکلات نظام آموزش و پرورش را باز کند.

۱-۳- چهار چوب نظری تحقیق

انگیزه اصطلاحی است که اغلب با انگیزش مترادف به کار می‌رود. انگیزه به حالت مشخصی اطلاق می‌گردد که سبب بروز رفتاری معین می‌شود. به سخن دیگر، انگیزش عامل کلی یا علت عام مولد رفتار به حساب می‌آید، در حالی که انگیزه علت اختصاصی رفتاری مشخص می‌باشد (سیف، ۱۳۸۲، ص ۱۵۴).

شعاری نژاد بین انگیزه و محرک، عامل دیگری که در بروز و هدایت رفتار نقش دارد، تمایز قابل م‌یشود و می‌نویسد مجموعه علل و عوامل رفتار را در صورتی که درونی باشند، یعنی از درون شخص آغاز شوند، انگیزه و اگر بیرونی باشند (یعنی خارج از وجود شخص) محرک^۲ نامند (شعاری نژاد، ۱۳۶۸، ص ۵۷).

اصطلاح انگیزش همان‌طور که از معنای آن بر می‌آید به علت یا چرایی رفتار اشاره دارد. از جمله مفاهیمی که در سال‌های اخیر توجه روانشناسان و مربیان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است انگیزش تحصیلی می‌باشد. انگیزش تحصیلی به صورت کلی به انگیزه‌ها، نیازها و عواملی گفته می‌شود که باعث حضور یک فرد در محیط‌های آموزشی و کسب یک مدرک تحصیلی می‌گردد (کلارک و شروت، ۲۰۱۰، ص ۲۲).

نظریه‌های متعددی در ارتباط با انگیزش تحصیلی وجود دارد، اما انگیزش تحصیلی در این تحقیق، بر مبنای نظریه « خود تعیین‌گری » تعریف می‌شود که توسط دسی و ریان (۱۹۸۵) ارائه گردید. خود تعیین‌گری یک نظریه انگیزشی است که به صورت نظام‌دار، نیازهای پویایی، انگیزشی، عاطفی و بهزیستی انسان را در بافت ضروری و بلاواسطه اجتماع، توضیح و تبیین می‌کند (چن و جانگ، ۲۰۱۰، ص ۷۴۳).

یکی از اصول بنیادی نظریه خود تعیین‌گری برخلاف نظریه‌های انگیزشی دیگر هم‌چون نظریه شناختی - اجتماعی بندورا که انگیزش انسان را به‌عنوان یک سازه یکپارچه و واحد در نظر می‌گیرند اینست که یک الگوی سلسله مراتبی از انگیزش درونی و بیرونی را ارائه می‌نماید که به محققان اجازه می‌دهد تعیین کنندگان و پیامدهای مرتبط با انواع مختلف انگیزش در سطوح متفاوتی از کلیت را تحلیل و بررسی کنند. این الگو ادعا می‌کند که یک تحلیل کامل از فرایند انگیزش باید سه سازه مهم یعنی انگیزش درونی^۳، انگیزش بیرونی^۴ و بی انگیزگی^۵ را مورد توجه قرار دهد (والرند و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۱۰۱).

انگیزش درونی: به انگیزه‌ای اشاره دارد که افراد را به صورت خودجوش و درونی به انجام تکلیفی خاص به حرکت وا می‌دارد و سوای از پاداش‌های بیرونی انجام خود تکلیف، برای فرد ارزشمند و رضایت بخش است (منبع پیشین).

انگیزش بیرونی: به‌طور کلی به انگیزه‌های اشاره دارد که افراد را به خاطر پاداش‌ها و تقویت‌های بیرونی مجبور به انجام یک تکلیف می‌نماید. به عبارت دیگر انگیزش بیرونی عبارتست از اشتغال به کارهایی که خود وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف دیگر هستند (منبع پیشین).

بی انگیزگی: سرانجام افراد بی انگیزه، افرادی هستند که هیچ‌گونه انگیزه‌های یعنی نه خشنودی و ارزشمندی درونی و نه مشوق-های بیرونی برای فعالیت‌های خود دریافت نمی‌کنند و در نتیجه از انجام فعالیت اجتناب کنند.

در حقیقت به جهت ارتباط‌های قوی موجود بین انگیزه تحصیلی و پیشرفت تحصیلی توجه زیادی به انگیزه تحصیلی و عوامل مؤثر بر آن از جمله انگیزش شده است. وقتی در سیستم آموزشی مشکلاتی هم‌چون افت تحصیلی رخ می‌دهد، از انگیزه

2 - Stimulus
3 - intrinsic motivation
4 - extrinsic motivation
5 - amotivation

یادگیرنده به عنوان یکی از علل مهم آن یاد می‌شود. انگیزه تحصیلی یکی از ملزومات یادگیری به حساب می‌آید و به رفتار شدت و جهت می‌بخشد و در حفظ تداوم آن به یادگیرنده کمک می‌کند (مولوی، ۱۳۸۶، ص ۵۴).

بسیاری از معلمان با دانش‌آموزان بی‌انگیزه یا کم انگیزه مواجه می‌شوند؛ دانش‌آموزانی که هیچ‌گونه علاقه‌ای به درس و هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای درس خواندن و تحصیل ندارند (رشید، ۱۳۹۱، ص ۹۹)؛ که این انگیزه تحصیلی ارتباط مستقیم با میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی دارد لذا برای یک نظام آموزشی موفق و پویا به این امر مهم باید توجه بیشتری شود. اما یکی از مشکلات شایع در نظام‌های آموزشی پایین بودن سطح انگیزه تحصیلی در بین یادگیرندگان است که زیانهای علمی و فرهنگی و اقتصادی زیادی را متوجه دولت‌ها و خانواده‌ها می‌کند و نظام آموزشی را با افت تحصیلی مواجه می‌سازد. بنابراین جهت کم کردن خسارت ناشی از کاهش انگیزه باید تحقیقات گسترده‌ای در زمینه شناسایی عوامل موثر در کاهش انگیزه تحصیلی صورت گیرد.

انگیزه در هر عملی روح آن عمل است که به آن جان دوره می‌بخشد. در هر زمینه تحصیل این مسئله اهمیت بیشتر می‌یابد و باز این مسئله وقتی در رابطه با دانش‌آموزان باشد ظریف تر و خطرناک تر می‌شود. تحصیل امری اختیاری است، و تنها عاملی که باعث می‌شود یک فعال اختیاری از انسان صادر شود اراده و خواست شخصی خود می‌باشد و تنها عاملی که خواست فرد را به اهمیت عمل اختیاری می‌رساند انگیزه می‌باشد. (همایی، ۱۳۸۵، ص ۷)

واقعیت این است که ایجاد انگیزه یادگیری، عامل اصلی فرایند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است که در مدارس میزان مورد توجه و عنایت قرار نگرفته و در نظام آموزشی، بهای چندانی به آن داده نشده است. همین مسئله یکی از دلایل اصلی افت تحصیلی بوده و کم‌آموزی، بی‌تفاوتی به فعالیتهای کلاسی و کاهش کیفی سطح یادگیری از تبعات منفی آن محسوب می‌شود. اگر انگیزه را پدید آوردن چنان فضایی در کلاس بدانیم که در آن فرایند کار همسطح و به اندازه نتیجه کار مهم است، به این نتیجه می‌رسیم که مادامی که از فعالیتهای آموزشی معلم کلاس فاقد انگیزه لازم برای یادگیری باشد بخش عظیمی از فعالیتهای آموزشی معلم بی‌نتیجه می‌ماند و کم کردن فاصله میان وضع موجود دانش‌آموزان و هنجار مطلوب بیشتر و تحقق اهداف شناخته شده تربیت ناممکن تر می‌شود. تمایلات جسمانی و نیازهای درونی و رغبتها، همگی انگیزه‌هایی هستند که شخص را وادار به انجام عملی می‌نمایند و موجب تعدم یک رفتار نسبت به رفتار دیگر می‌شود این محرکها از درون انسان برمی‌خیزد و سبب بروز عکس‌العملهای متفاوت می‌گردند. هر یک از افراد را عامل خاصی به فعالیت به فعالیت وامی‌دارد که نوع و میزان فعالیت آنها به قدرت و تحریک آن عامل بستگی دارد. این عامل را انگیزه می‌گویند. انگیزه و انگزش مفاهیم فرضی هستند نه عینی، یعنی نیروهای درونی هستند که قابل رؤیت نمی‌باشد و فقط آثارشان با تغییر حالت در انسان قابل مشاهده است. انگزش موفقیت، جستجوی موفقیت و رقابت با استانداردهای عالی است و میل و اشتیاق، تلاش و کوششی است که فرد برای دستیابی به یک هدف یا تسلط بر اشیاء و امور یا افراد و رسیدن به یک معیار از خود ابراز می‌دارد. (پوربنه صفری، ۱۳۸۴، ص ۲).

از جمله اصول مبتنی بر قوانین یادگیری، اصل توجه به رغبت تلاش و کوشش شاگردان است. در جریان یادگیری، علاقه، هدف، محرک و کوشش شاگرد، نقش بسزایی دارد. اگر بناست که شاگرد از راه تجربه افکار و عقاید، عادات و تمایلات و طرز کار خود را تغییر دهد، باید نسبت به موضوع یادگیری علاقه مند باشد. بنابراین معلم باید علاقه و رغبت شاگردان را نقطه شروع کار خود قرار دهد، در تعیین هدفهای اساسی به آنها کمک کند و سعی کند شاگردان را از روی میل و علاقه به فعالیت وا دارد. (شریعتمداری، ۱۳۷۶، ص ۹۲).

اگر دانش‌آموزان و دانشجویان نسبت به درس بی‌علاقه باشند. به توضیحات معلم توجه نخواهند کرد. تکالیف خود را با جدیت انجام نخواهند داد و بالاخره پیشرفت چندانی نصیب آنها نخواهد شد. اما اگر نسبت به درس یا مطلب درسی علاقه مند باشند هم به توضیحات معلم با دقت گوش خواهند داد هم تکالیف درسی خود را به خوبی انجام می‌دهند و به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه مطالب درسی خواهند رفت و هم پیشرفت زیادی نصیب آنها خواهد شد (همایی، ۱۳۸۵، ص ۲۱). پس بر

اساس دیدگاه های مختلف انگیزش تحصیلی از طریق مجموعه ای از عوامل تعیین و متحول می شود با عنایت به این برداشت به بررسی و تعیین عوامل موثر بر انگیزش می پردازیم.

از جمله عوامل موثر باورها و تصورات دانش آموز نسبت به جایگاه تعلیم و تربیت و یادگیری و شناخت و آگاهی از توانمندی و مهارت خود در انجام تکالیف درسی و فعالیت های مربوط به مدرسه و تحصیل و احساسات و واکنش های عاطفی نسبت به این گونه فعالیت ها می تواند به علاقمندی دانش آموز به یادگیری و تحصیل کمک کند. از جمله این صفات فردی نگرش مثبت یا منفی فرد به مدرسه و ادامه تحصیل می باشد مثلاً ممکن است مدرسه را مکان جالب و مناسبی بداند که برایش خوشایند است و یا مکان ملال آور و خسته کننده که از آن نفرت دارد که کل فرایندهای مدرسه از جمله کلاس درس، معلمان، بچه های مدرسه و کلیه فعالیت های یادگیری را تحت تاثیر خود دارد (ثنایی و همکاران، ۱۳۷۵).

خانواده و ساختار حاکم بر آن نیز عامل دیگری است که از آغاز زندگی نقش به سزایی در شکل گیری انگیزه ایفا می کند برای مثال ناتریلو^۶ و مکدیل^۷ (۱۹۹۴) به نقل از رایان، (۲۰۰۱) نشان دادند خانواده هایی که انتظارات بالایی از فرزندان خود دارند و استانداردهای بالاتری برای آنان در نظر می گیرند بر عملکرد تحصیلی آنان تاثیر مثبت و قابل توجهی دارد. اگستروم و همکاران (۱۹۹۶) بیان داشته اند دانش آموزانی که انتظارات تحصیلی والدین از خود را پایین ارزیابی کرده اند نتوانسته اند دبیرستان را به پایان ببرند. فونت^۸ (۱۹۹۴) شیوه های فرزند پروری را بررسی کرد و نشان داد خانواده های دارای ساختمان مناسب که در آنها پذیرش فرزندان، استقلال آموزی و انتظار موفقیت وجود دارد انگیزه تحصیلی فرزندان بالا می باشد و از موفقیت تحصیلی مطلوب و بالاتری برخوردارند.

آموزشگاه نیز مانند خانواده نقش بسزایی در ایجاد انگیزش تحصیلی دارد. ونتزل^۹ (۱۹۹۸) نشان داد کیفیت رابطه معلم و دانش آموز و چگونگی آن و برداشت های دانش آموز از حمایت معلم به میزان زیادی انگیزش تحصیلی را بهبود می بخشد. رایان^{۱۰} (۲۰۰۱) نیز نشان داد که دانش آموزانی که معلم خود را به عنوان فردی حامی استقلال و خود مختاری خود تلقی کند بیشتر درون انگیزه می شود و احساس شایستگی بیشتری می کند و تمایل فراوانی برای انجام تکالیف درسی دارد. میدگلی^{۱۱} و اردن^{۱۱} (۲۰۰۱) دریافتند درک دانش آموزان از تمایلات حاکم بر کلاس درس آنها که شامل تعامل معلم با آنها و ارتباط دانش آموزان با هم می شود با انگیزش تحصیلی آنان رابطه دارد. یعنی جو کلاس و شرایط درونی مدرسه به میزان قابل توجهی می تواند برای انگیزش تحصیلی دانش آموزان تعیین کننده باشد.

اجتماع بخصوص همسالان به راههای گوناگون در شکل گیری شخصیت و رفتار اجتماعی دخالت دارند در این رابطه بندورا^{۱۲} (۱۹۹۵) نشان دادند که دوستان و همسالان در تقویت و تضعیف انگیزش تحصیلی و سایر عملکردهای تحصیلی نقش مهمی را ایفا می کنند. آندرمین^{۱۲} (۱۹۹۹) نیز در پژوهشی نشان داد که همراهی و همرنگی دانش آموزان با همسالان خود با پیگیری اهداف تحصیلی آنها مرتبط است. ونتزل (۱۹۹۴) هم نشان داد که نوجوانانی که با همسالان ارتباط مناسب ندارند در زمینه تحصیلی و سازگاری در مدرسه دچار مشکل می شوند و دوستان دانش آموز می توانند بر روی ترک تحصیل، راه یابی به دانشگاه، گرفتن نمره پایین، نگرش منفی به تحصیل و انگیزش تاثیر گذار باشند.

۱-۴- پیشینه تحقیق

تحقیقات مختلفی در داخل و خارج از کشور در رابطه با ارتباط عوامل مختلف فردی، اجتماعی، آموزشی، خانوادگی و انگیزه تحصیلی انجام شده اند که اینک به یافته های برخی از آنها اشاره خواهد شد.

6 Natriello
7 Mecdill
8 Wentzel
9 Ryan
10 Midgley
11 Ourdan
12 Anderman

رینگس در پژوهشی در زمینه دانش‌آموزان کم‌پیشرفت و پرپیشرفت، ۳۰ دانش‌آموز پسر کلاس نهم را که بهره‌هوشی ۱۲۰ یا بالاتر و معدل درسی ۱۵ یا بالاتر داشتند با گروه دیگری که از نظر هوشی، جنسیت، سن، مدرسه و حجم درس‌ها مشابه آنها بودند؛ اما معدل درسی آنها ۱۲ یا کمتر بود، با یکدیگر مقایسه نمود. نتایج بررسی‌ها نشان داد که دانش‌آموزان پرپیشرفت در مقایسه با دانش‌آموزان کم‌پیشرفت انگیزه بیشتری برای یادگیری داشتند.

بنتام معتقد است که عملکرد آموزشی تحت تأثیر عواملی مثل جنسیت، طبقه اجتماعی، نوع مدرسه، زمینه قومی و نگرش افراد در مورد تحصیل و پیشرفت تحصیلی قرار دارد.

در تحقیقی توسط مارجوری بنکز تفاوت‌های محیط خانوادگی ۷۰۰ دانش‌آموز ۱۱ ساله استرالیایی انگلیسی تبار، یونانی تبار و ایتالیایی تبار و ارتباط آن با انگیزه تحصیلی بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که محیط فرهنگی خانواده بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد.

رشید و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان دادند که با اطمینان ۹۹٪ بین عوامل فردی، عوامل خانوادگی (جز پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده)، عوامل آموزشی و عوامل اجتماعی با انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. مولوی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی نشان دادند که پایین بودن میزان متغیرهای امید به آینده، عزت نفس، کیفیت عوامل آموزشی، درآمد خانواده و تاهل دانشجویان از عوامل عمده کاهش انگیزه تحصیلی هستند.

مجیدی در سال ۱۳۷۵ پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه برخی از ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی خانواده با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهرستان میانه انجام داده و نتایج به دست آمده نشان داد که میزان تحصیلات، درآمد والدین، بعد خانوار عواملی بودند که پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مجیدی، ۱۳۷۵).

سیاهپوش (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان داد که بین متغیرهای جنسیت، طبقه اجتماعی، بعد خانوار (تعداد اعضای خانواده)، عزت نفس، علاقه به رشته و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. متغیرهای ساعات مطالعه، جنس، طبقه اجتماعی والدین و میزان عزت نفس به ترتیب سهم بیشتری در پیشگویی متغیر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، در مقایسه با سایر متغیرها دارند.

با توجه به اینکه در بیشتر پژوهش‌های گذشته به بسیاری از عوامل احتمالی مرتبط با انگیزه تحصیلی توجه نشده است، در پژوهش حاضر تلاش شد تا با رویکردی نسبتاً جامع، مجموعه عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و آموزشی مرتبط با انگیزه تحصیلی در کنار هم و در تعامل با یکدیگر مورد بررسی قرار بگیرند. در این راستا با توجه به اهمیت ماهوی موضوع، مطالعه حاضر، جهت شناسایی عوامل مؤثر در افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان گچساران در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ صورت گرفته است. بر این اساس، فرضیه‌های اصلی پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

۱- بین عوامل مؤثر بر انگیزه با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۲- عوامل مؤثر بر انگیزه می‌توانند پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را پیش بینی کنند.

۱-۵- روش شناسی تحقیق:

روش انجام این تحقیق توصیفی از نوع همبستگی بوده است که در این پژوهش رابطه متغیرهای عوامل انگیزش و پیشرفت تحصیلی مورد مطالعه قرار گرفته است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه‌ی مدارس پسرانه و دخترانه در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه آموزش و پرورش شهرستان گچساران به تعداد ۵۵۰ نفر بود. با توجه به جدول مورگان ۲۱۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و در تحقیق شرکت داده شدند که این تعداد نمونه شامل ۱۰۷ دانش‌آموز دختر و ۱۱۰ دانش‌آموز پسر بود. که برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه پیشرفت تحصیلی انتخاب شدند.

۱-۶- روش و ابزار گردآوری اطلاعات:

برای اندازه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات، ابزارها و روش‌های متعددی وجود دارد، لذا در این تحقیق جهت بررسی، تئوری‌ها، تحقیق‌ها و مقالات مربوط با موضوع، روش کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی استفاده شد. و برای جمع‌آوری اطلاعات از گروه نمونه به علت عدم امکان گردآوری داده‌ها از طریق مشاهده و با توجه به ماهیت پژوهش داده‌ها از معدل کل دانش‌آموزان برای

سنجش پیشرفت تحصیلی استفاده شده است. برای بررسی عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی از پرسشنامه عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی رشید و همکاران (۱۳۹۱) استفاده شده که پس از اجرای مقدماتی آن و رفع اشکال‌های موجود در آن، پرسشنامه نهایی تدوین شد و با مراجعه حضوری پژوهشگر به اجرا در آمد. روایی این پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان و پایایی این پرسشنامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد به شرح زیر است:

جدول (۱): ضرایب پایایی متغیرهای پژوهش

عوامل انگیزش تحصیلی	آلفای کرونباخ
عوامل فردی	۰/۷۵
عوامل خانوادگی	۰/۸۱
عوامل اجتماعی	۰/۸۶
عوامل آموزشی	۰/۸۶
انگیزش تحصیلی (کل)	۰/۸۴
پیشرفت تحصیلی	۰/۸۵

۱-۷- شیوه اجرا

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از اجرای اصلی پرسشنامه، در این پژوهش از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار استاندارد) استفاده شده است. و از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چند متغیره برای بررسی رابطه بین عوامل موثر انگیزش با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استفاده شده است.

۲- تحلیل داده‌ها

فرضیه اول: بین مؤلفه‌های موثر بر انگیزه با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به منظور بررسی این فرض از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول (۲): ضریب همبستگی عوامل موثر بر انگیزش با پیشرفت تحصیلی

عوامل فردی	عوامل آموزشی	عوامل خانوادگی	عوامل اجتماعی	انگیزش (کل)
پیرسون	۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۱۸	۰/۴۱
پیشرفت تحصیلی (معدل کل)	سطح معناداری	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
تعداد	۲۱۷	۲۱۷	۲۱۷	۲۱۷

جدول بالا آزمون همبستگی پیرسون بین میزان پیشرفت تحصیلی و عوامل انگیزشی را نشان می‌دهد. طبق نتایج بدست آمده از جدول و مشاهده سطوح معناداری می‌توان متوجه شد که ضرایب همبستگی بدست آمده معنادار شده بنابراین بین مؤلفه-

های انگیزش با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری وجود دارد بنابراین فرضیه یک با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می گردد. عوامل آموزشی بیشترین همبستگی (۰/۴۴) با انگیزش تحصیلی و عوامل اجتماعی دارای کمترین همبستگی (۰/۲) می باشد.
فرضیه دوم: عوامل موثر بر انگیزه می توانند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی کنند.
برای بررسی این فرضیه از رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. که متغیرهای پیش بین شامل عوامل موثر بر انگیزش و متغیر ملاک پیشرفت تحصیلی می باشد.

جدول (۳): تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون بین عوامل موثر بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی

ضریب همبستگی چند گانه	ضریب تعیین	F	سطح معناداری
۰/۵۴	۰/۲۹	۲۰/۹	۰/۰۰۰۱

همان گونه که مشاهده می شود مقدار F برابر با (۲۰/۹) در سطح ۰/۰۰۱ معنادار گردیده و چون سطح قابل قبول معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین نتیجه می گیریم که متغیرهای پیش بین (عوامل انگیزش) می توانند متغیر ملاک (پیشرفت تحصیلی) را پیش بینی کنند. از طرفی مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۲۹ گردیده به این معنا که متغیرهای پیش بین روی هم رفته می توانند ۲۹ درصد از تغییرات متغیر پیشرفت تحصیلی را پیش بینی کنند. و حدود ۰/۷۱ از واریانس باقی مانده متغیر وابسته توسط سایر متغیرها تبیین می شود که در واقع عوامل گوناگونی بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر می گذارد که در این تحقیق به آنها پرداخته نشده است. حال به منظور تعیین این که هر یک از متغیرهای پیش بین تا چه اندازه می توانند متغیر ملاک را پیش بینی کنند از ضریب بتا استفاده شده که نتیجه آن در جدول (۴) آمده است.

جدول (۴): ضرایب بتای بین عوامل موثر بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی

متغیرهای پیش بین	ضریب B	Beta	T	سطح معناداری
عوامل فردی	۰/۸۸	۰/۳۱	۴/۸	۰/۰۰۱
عوامل آموزشی	۱/۱۵	۰/۳۵	۵/۶	۰/۰۰۱
عوامل خانوادگی	۰/۵۱	۰/۲۷	۵/۶۴	۰/۰۰۱
عوامل اجتماعی	۱/۴۲	۰/۱۴	۳/۰۹	۰/۰۰۲

با توجه به جدول فوق و مشاهده سطوح معناداری می توان متوجه شد که عوامل چهارگانه انگیزشی می توانند پیشرفت تحصیلی را پیش بینی کنند (چون سطح معناداری کمتر از ۰/۵ است) که میزان پیش بینی کنندگی سه عامل فردی، خانوادگی و آموزشی به یک اندازه است و عامل اجتماعی در مرتبه بعد قرار دارد.

۳- نتایج و بحث

در پژوهش حاضر سعی شد که تأثیر چندین عامل در انگیزه تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد تا عوامل مرتبط با آن شناسایی شوند. بر همین اساس نقش عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی در انگیزه تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات به دست آمده از تجزیه و تحلیل رگرسیون به منظور تعیین مهمترین عوامل پیش بینی کننده انگیزه تحصیلی دانش آموزان نشان می دهد که مهمترین عامل پیش بینی کننده انگیزه تحصیلی دانش آموزان به ترتیب عوامل آموزشی، خانوادگی، فردی، اجتماعی قرار داشتند که بر روی هم ۲۹ درصد تغییرات متغیر وابسته (پیشرفت تحصیلی) را پیش بینی می کنند.

همان طور که ملاحظه گردیده فرضیه اول پژوهش با توجه به (جدول ۲) بیان می داشت که بین عوامل ذکر شده با پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. و این نتیجه کلی به دست آمد که عوامل فوق در انگیزه تحصیلی تأثیر دارند. برخی از پژوهشگران همچون ایمز (۱۹۸۴) نشان داد که متغیرهای مربوط به آموزشگاه با انگیزش آنان در ارتباط است. این یافته با یافته-

های پژوهش‌های دیگر نظیر پژوهش اندرمن و ماهر (۱۹۹۴)، رایان ودسی (۲۰۰۰)، سیاهپوش (۱۳۹۰)، (مجیدی، ۱۳۷۵)، رشید و همکاران (۱۳۹۱)، مولوی و همکاران (۱۳۸۶) و بسیاری از پژوهش‌های دیگر هماهنگ است.

اما دلیل تأثیرگذاری عوامل فردی با انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان چیست؟ بر اساس نظریه برنارد و اینر^{۱۳} که به نظریه نسبت دادن یا نظریه اسناد^{۱۴} معروف است، چگونگی تفکر (ادراک و تفسیر) افراد در مورد علت‌های موفقیت‌ها و شکست‌هایشان عوامل اصلی تعیین‌کننده انگیزش آنان است. به این صورت که فردی که برای موفقیت تحصیلی دارای منبع کنترل درونی و برای شکست تحصیلی دارای منبع کنترل بیرونی است با تکالیف مختلف یادگیری با نوعی خودپنداره مثبت برخورد می‌کند و این امر می‌تواند بر انگیزه تحصیلی او تأثیر مثبتی باقی بگذارد.

اما نقش عوامل آموزشگاهی در انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان چگونه قابل توجه است؟ در آموزش و پرورش عوامل مختلفی می‌توانند بر عواطف دانش‌آموزان و علاقه‌ها و انگیزه‌های تحصیلی آنها تأثیر بگذارند. که از جمله آنها نگرش دانش‌آموزان نسبت به امتحان، معلم، مسئولین مدرسه و آموزشگاه است و البته این نگرش‌ها تا حد زیادی با یکدیگر در ارتباطند. جو کلاس درس و حضور اعتماد بخش معلم در کنار دانش‌آموزان در شکل‌گیری انگیزش تحصیلی و پیشرفت آن نقشی اساسی دارد. برخی از پژوهشگران همچون ایمز (۱۹۸۴) نشان داد که متغیرهای مربوط به آموزشگاه با انگیزش آنان در ارتباط است. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های دیگر نظیر پژوهش اندرمن و ماهر (۱۹۹۴)، رایان ودسی (۲۰۰۰)، سیاهپوش (۱۳۹۰)، (مجیدی، ۱۳۷۵)، رشید و همکاران (۱۳۹۱)، مولوی و همکاران (۱۳۸۶) و بسیاری از پژوهش‌های دیگر هماهنگ است.

یکی دیگر از نتایج پژوهش حاضر ارتباط بین عوامل خانوادگی و نیز ارتباط بین فضای روانی-عاطفی خانواده و نگرش والدین به تحصیل فرزندان با انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان بود. پژوهشگران معتقدند که روشهای تربیتی که توسط خانواده اعمال می‌شود و طرز فکرها و نگرش‌های خانواده نقش مهمی در رشد انگیزه پیشرفت بازی می‌کند در زمینه انگیزه تحصیلی نیز این‌گونه است و خانواده در رشد آن نقش به‌سزایی دارد.

پدر و مادری که خود به تحصیل علاقمندند و برای تحصیل ارزش قائلند، نه تنها این نگرش‌ها را به فرزندان منتقل می‌کنند؛ بلکه به دلیل حمایت‌هایی که از فرزندان خود در زمینه تحصیل به عمل می‌آورند نیز در رشد انگیزه فرزندان برای تحصیل تأثیری گذارند. دانش‌آموزان نیز تحت تأثیر چنین عوامل درون خانوادگی نظیر علاقه والدین به تحصیل آنان، انگیزه خوبی برای مطالعه و تحصیل پیدا خواهند کرد.

در واقع، والدین و نگرش‌های آنان در زمینه درس خواندن فرزندان، عامل مهمی در شکل‌دهی و پرورش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان است. انتقال نگرش‌های منفی و نامطلوب نسبت به تحصیل و بهبود دانستن تحصیل باعث کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود و انتقال نگرش‌های مثبت و به دنبال آن داشتن انتظار پیشرفت تحصیلی از دانش‌آموز، باعث افزایش انگیزه تحصیلی او خواهد شد.

تأثیر فضای روانی-عاطفی خانواده بر انگیزه تحصیلی بر کسی پوشیده نیست. فضای روانی خانواده تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموز باقی می‌گذارد. از یک سو محیط خانوادگی ناامن عرصه را برای دانش‌آموز تنگ کرده و سبب می‌شود که دانش‌آموز از آرامش لازم برای درس خواندن برخوردار نباشد که این امر با افت تحصیلی و به تدریج افت انگیزه تحصیلی همراه خواهد بود.

از سوی دیگر در صورتی که فضای روانی-عاطفی خانواده، روابط بین اعضای خانواده و بخصوص روابط دانش‌آموز با والدین نامناسب باشد، در آن صورت والدین توانایی تأثیرگذاری خود بر دانش‌آموز را از دست خواهند داد و وقتی والدین اعتبار و قدرتمندی و نفوذ خود را از دست بدهند، دیگر انتظارات آنها از دانش‌آموز برای دانش‌آموز اهمیت نخواهد داشت و دانش‌آموز در جهت آن انتظارات حرکت نخواهد کرد. بنابراین در اینگونه خانواده‌ها دانش‌آموز ممکن است هرگز به خواسته‌های والدین در

¹³ Weiner

¹⁴ Attribution Theory

مورد تحصیل فرزند تن ندهد و توجهی بدان نداشته باشد. البته این گونه مسایل در شرایطی پیش می‌آید که با وجود آشفستگی فضای روانی خانواده، والدین همچنان به فکر تحصیل فرزندان باشند. در بسیاری از موارد، والدین در اینگونه شرایط حتی هیچ‌گونه توجهی به وضعیت تحصیلی فرزندان ندارند که این امر خود بر روی پیشرفت تحصیلی و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بسیار منفی باقی می‌گذارد.

مورد بعدی نقش عوامل اجتماعی در انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان است چیزی که روانشناسان کمتر به آن توجه می‌کنند بر اساس نتایج پژوهش حاضر، اینکه از نظر دانش‌آموز تحصیلات تا چه اندازه در جامعه از ارزش و اهمیت برخوردار است بر انگیزه تحصیلی او تأثیر می‌گذارد. در واقع اگر افراد جامعه یا کسانی که دانش‌آموز با آنها در ارتباط است، درس خواندن و تحصیلات را بی‌اهمیت دانسته و ارزش چندانی برای آن قایل نباشند، دانش‌آموز نیز چنین نظری پیدا می‌کند و برای تحصیلات ارزش زیادی قایل نخواهد بود و به دنبال آن بدیهی است که انگیزه‌های برای تحصیل کردن هم نخواهد داشت. اما اگر تحصیلات در جامعه ارزشمند تلقی شوند، دانش‌آموز نیز آن را با ارزش خواهد دانست و در زمینه تحصیل از انگیزه بالایی برخوردار خواهد بود.

همچنین درک دانش‌آموز از تأثیر تحصیلات بر روابط پایگاه اجتماعی نیز در انگیزه تحصیلی او تأثیر دارد. وقتی دانش‌آموز به معلم خود می‌نگرد و احساس می‌کند که معلم به دلیل مشکلات مختلف مالی ناشی از شغل خود که آن هم به نظر او به دلیل تحصیلاتش است جایگاه چندان مناسبی در جامعه ندارد از توانایی تأثیرگذاری چندان برخوردار نیست، به اندازه یک آدم پولدار بیسواد در جامعه از احترام برخوردار نیست، جامعه دید ترحم‌آمیزی نسبت به او دارد، مجبور است برای تدریس به منزل دانش‌آموزانی برود که پدرشان وضعیت مالی مناسبی دارد و بسیاری از اینگونه موارد، از آن پس دیگر به معلم خود به عنوان نماد یک انسان تحصیل کرده موفق نگاه نمی‌کند. به همین دلیل معلم دیگر نقش الگو را برای او بازی نمی‌کند. در واقع دانش‌آموز برای اینکه برداشت مناسبی از تأثیر تحصیلات در روابط فرد با دیگران و پایگاه اجتماعی فرد به دست آورد، باید به الگوهای مراجعه نماید و برداشت‌هایش در این زمینه به افراد پیرامون و بخصوص به معلمان محدود می‌شود. حال وقتی جامعه معلم را جزو قشرهای ضعیف می‌داند و حتی خود معلم خود را جزو قشرهای ضعیف می‌بیند، این نگرش‌ها و برداشت‌ها خواسته یا ناخواسته، به دانش‌آموزان منتقل می‌شوند و انگیزه دانش‌آموزان برای تحصیل کردن تأثیر منفی خواهد داشت؛ زیرا نهایت درس خواندن و ادامه تحصیل را رسیدن به وضعیتی می‌دانند که معلمانشان دارند، که آن را هم بسیار نامناسب می‌بیند یکی دیگر از مهمترین عوامل مؤثر بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان، درک و برداشت آنان از تأثیر تحصیلات بر اشتغال و زندگی آینده آنان است. همانگونه که در مورد قبلی نیز به گونه‌ای اشاره شد، با توجه به رشد روزافزون گرایش به ثروت و مادیات در بین افراد جامعه و نیز دانش‌آموزان، امروزه بحث فایده‌های عینی و عملی تحصیلات در زندگی موضوعی اساسی است. از سوی دیگر، واقعیت‌های جامعه ما نشانگر آن است که بسیاری از تحصیل کرده‌ها و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار هستند و خیلی وقت‌ها مجبورند تن به کارهایی بدهند که بدون تحصیلات هم می‌توانستند آن را انجام بدهند، ضمن اینکه احساس می‌کنند چند سالی را نیز برای تحصیلات به گونه‌ای تلف نموده‌اند. این واقعیت‌ها در کنار این حقیقت که بیشتر دانش‌آموزان امروزی به تحصیلات به عنوان موقعیتی برای یادگیری بیشتر نگاه نمی‌کنند؛ بلکه آن را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف‌های مادی و اجتماعی می‌دانند، سبب می‌شود دانش‌آموزانی که معتقدند تحصیلات تأثیر چندان مناسبی بر روی اشتغال و زندگی آینده ندارد، علاقه چندانی به درس نداشته باشند و از انگیزه تحصیلی پائینی برخوردار باشند.

بنابر آنچه گفته شد و با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان چنین گفت که در مورد انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان تنها نباید به عوامل فردی توجه نمود؛ بلکه مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، آموزشی و خانوادگی در افت انگیزه تحصیلی تأثیر دارند که برای حل مشکل افت انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان باید مورد توجه قرار گیرند.

منابع

— پوربنه صفری، زهرا، بررسی عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه و نقش آن در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دفتر و پسر مقطع متوسطه، ۱۳۸۳ (پایان نامه).

- دلاور، علی (۱۳۸۳). مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم.
- رشید، خسرو وهمکاران(۱۳۹۱)؛ انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه در رابطه با عوامل محیطی، نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، سال هفتم، جلد ۷، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، ص ۹۹-۱۰۷.
- سیاهپوش، ارجمندو همکاران(۱۳۹۰)؛ بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ی متوسطه شهر شوش دانیال (ع). مجله جامعه شناسی مطالعات جوانان، تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۲، ص ۷ - ۲۰.
- سیف، علی اکبر. روان شناسی پرورشی، روان شناسی یادگیری و آموزش. ویراست نو. چاپ هشتم. موسسه انتشارات آگاه. تهران. ۱۳۸۲.
- شریعتمداری، علی، اصول تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- شعاری نژاد، علی اکبر. مبانی روان‌شناختی تربیت. چاپ دوم. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران. ۱۳۶۸.
- مجیدی، ب. (۱۳۷۶)، بررسی رابطه ویژگی های اجتماعی و اقتصادی خانواده با موفقیت و افت تحصیلی ...، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- مولوی وهمکاران (۱۳۸۶)؛ بررسی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل. مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۲۵، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶، ص ۵۳-۵۸.
- همایی، آمنه، افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه سردشت، ۱۳۷۵.
- Akba Ş A and Kan A; Affective Factors That Influence Chemistry Achievement (Motivation and Anxiety) and the Power of These Factors to Predict Chemistry Achievement-II; Journal of Turkish Science Education; Volume44, Issue 1, May 2007, 10-19.
- Anderman, E.M. & Maehr, M.L. (1994). Motivation and Schooling in the Middle Grades. Review of Educational Research, 64, 287-309.
- Bentham S., Psychology and Education, Routledge, 2002.
- Chen, K.C., & Jang, S.J. (2010). Motivation in online learning: Testing a model of self-determination theory. Journal of Computers in Human Behavior, 26, 741-752.
- Clark, M.H., & Schroth, C.A. (2010). Examining relationships between academic motivation and personality among college students. Journal of Learning and Individual Differences, 20, 19-24.
- Deci, E. ., & Ryan, R.M. (1985). Intrinsic Motivation and Self-determination in Human Behavior. New York: Plenum
- Ryan, A. (2001). The Peer Group as a Context for the Development of Young Adolescent Motivation and Achievement. Child Development, 72(4), 1135-1150.
- Seif A.A., Educational Measurement and Evaluation, Tehran Doran Publishing Co, 2010.
- Shvltz D., Personilaty Thedies, in: karami Y) Ed.), Tehran, Arasbaran, publications, 1999.
- Sitpec Debrom S., Motivation for Learning , in: Hassan Zadeh R and Omomi N., (Eds Donyaye Pajvhesh press, Mashhad, 2001.
- Spalding L, Motivatiom the Classroom, in: Yaghubi H., Khosh ktolgh A., (Eds.), Tabriz Teacher Traning University, 1998.
- Vallerend, R.J., Pelletier, L.G., Blais, M.R., Briere, N.M., Senecal, C., & Vallieres, E.F. (1992). The Academic Motivation Scale: A measure of intrinsic, extrinsic, and amotivation in education. Journal of Educational and Psychological Measurement, 52, 1003-1017.
- Wentzel, K.R. (1998). Social Relationships and Motivation in Middle School: The Role of Parents, Teachers and Peers. Journal of Educational Psychology, 90, 202-209.